



۲۰۱۸/۰۹/۲۰



سلطان عبدالرزاق

«موازنه های سیاسی جابجا می شوند»

از مدتی بدینسو در سایت های مختلف، متونی را می پالم که به زبان دری اصیل و ساده تحریر شده باشد. پشتون هستم، می خواهم هنر تحریر را به زبان دری بیاموزم. مقالاتی را که درین روز ها، یافتم و فکر می کنم که به سطح خیلی عالی به زبان دری تحریر یافته است. از هر جمله یک کلمه و مفهوم قابل یادداشت، در لغتنامه شخصی گرفته شده است. نویسنده محترمی که درین روزها با مقالات ایشان در آریانا افغانستان آنلاین راه یافتم، "سید حمیدالله روغ" نامیده شده اند. حقیقت اینست که کلمات دری را جمع آوری می کنم. بعد از اینکه دو الی سه مقاله آن جناب محترم را مرور کردم، چنین واژه احساس شد، که اگر ارزیابی های ایشان را بپذیرم، مبادا که درک تحلیل های سیاسی ایشان، دشواری ایجاد کند. متنی را که ایشان تحت این عنوان ترتیب نموده اند، خیلی دقیق و از دید کسانی که متون اخبار خوانده باشند، از نگاه خبر نویسی و تفسیر خیلی عالی است. مطالب مطروحه ایشان برایم مهم نبود. باز هم تکرار می گردد، که دری خوب تحریر شده است. در باره اهداف سیاسی ایشان، حرفی نداریم که تأیید و یا رد گردد.

جمله اول ایشان را در اینجا، بازگو می کنیم:

«مردم دیگر حاضر نیستند این عقیده خود را واپس بگیرند که گفتار سیاسی رانج در کابل، همه به دورادور همان افغان را به کام مرگ می اندازد. مثل این است که در افغانستان یک ۴۰۰ دور باطلی در گردش هست که روزانه تا ماشین برای کشتن آدم ها به کار انداخته شده است و همه با چشمانی همچون چشمان گوسفند قربانی تماشا داریم که اگر این ماشین یکدفعه، این ماشین چقدر خوب کار می کند؛ و کسانی هم مأموریت خود دانسته اند که مبادا، و ای بر ما از کار بیافتند !!!»

عنوان ایشان را نتوانستم درک کنم، که از دید ایشان، «موازنه های سیاسی» چه نوع جا بجا می شوند. تمام تفسیر ایشان که بر حوادث مرور داشته اند و هم اسمای سیاستمداران ذکر شده است، دقیق تعقیب نشده است. فقط چند مفهوم، شایسته جلب توجه است.»

از اینجا است که فکر بکر «بیطرف سازی افغانستان»، که اخیراً جناب داکتر سینتا به پیش کشید، شاید یک زمینه نو برای تطبیق می یابد؛

متنکر می شویم که این برنامه ۳۵ سال قدمت دارد؛ و این قلم ده سال پیش در کتاب «سندروم افغانستان» همه جوانب این برنامه را به تفصیل گشوده بودم؛ در همان کتاب این قلم به تأکید نوشته بودم که مفکوره تأسیس «حوزه تمدنی ما» به حیث مبنای نظری برنامه بیطرف سازی افغانستان مطرح می شود؛ یعنی طرح مفکوره بیطرف سازی افغانستان، بدون طرح مفکوره تأسیس «حوزه تمدنی ما»، ناقص و نا تمام و فاقد پایه نظری است؛

"بکر؟". وقتی کلمه "سندروم" در فرهنگ‌ها پالیده شد، در باره این اصطلاح گفته شده است که در "طبابت" و "روانشناسی" بیشتر مروج است. چنین حدس زده می‌شود که ایشان باید "داکتر طب" باشند. برای سایر خوانندگان محترم پیشنهاد می‌شود، که در استعمال کلمات در ساحات مختلف متوجه باشند، که هر ساحه علمی، دارای قواعد تحقیقاتی اند، که چگونه به نتیجه می‌رسند. جالب است که ایشان، ممکن "سندروم" را از یک مرض، پرسیده باشند، بعد همچو قاعده را بر یک کشور با بغرنجیت بیحد، تطبیق می‌کنند و مدعی می‌شوند که: «... همه جوانب این برنامه را به تفصیل گشوده بودم...» تأکید آخری ایشان هم جالب است: «مفکوره بیطرفی سازی...» «حوزه تمدنی». این خواننده مخالفت ندارد، اگر ایشان ازین طریق برای کتاب ایشان اعلان نشر می‌کنند، اما خواننده یک کشور جنگ زده، متمایل است بداند، که این "حوزه تمدنی" ایشان، چه تعریفی دارد و کدام ساحات را در بر می‌گیرد، این حوزه اگر "تمدنی" است، با کدام نظام سیاسی اداره آنرا می‌خواهند. اینکه افغانستان سابقه بیطرفی داشته است، اسناد تاریخی روشن موجود است. این کشور در شرایط جنگ سرد، در نتیجه کودتا، در یک وضعیتی کشانده شد، که اعتبار بی طرفی را از دست داد. حال هم در حالت اشغال است. بی طرفی های سابق را زمامداران تعریف کرده اند.

سؤال اینجاست، که ایشان و یا آقای "سپینتا" کی هستند، که راه حل این همه مسایل بغرنج در جیب آنها بوده، ده ها سال نگهداشته اند، و مردم ما درک نکرده اند، که از ایشان تقدیر بعمل آورند.

از اداره محترم "آریانا افغانستان آنلاین" تمنا داریم که اگر برای ایشان ممکن باشد، "پی دی اف" این "کتاب" را در اختیار خوانندگان قرار دهند، تا دیده شود، که ایشان در وجود افغانستان ویران و خون آلود، چه علایم را تشخیص نموده اند. خیلی مفید می‌بود اگر واقف می‌بودیم که آیا ایشان هم کدام طرف در مذاکرات و حل مسایل افغانستان هستند و یا کدام مرکز مهم معلوماتی در اختیار دارند.

ختم

